

چرا باید انتخابات را تحریم فعال کرد؟

مصاحبه میلینانت با رفیق مازیار رازی

رفیق مازیار با درود. عده ای از خوانندگان سوالاتی در مورد موضع تحریم انتخابات کرده اند. برای نمونه برخی بر این اعتقاد هستند که بین احمدی نژاد و موسوی باید به موسوی رأی داده شود، زیرا قول و قرارهایی مبنی بر فراهم آوردن دموکراسی داده است. نظر شما در این مورد چیست؟

با درود به شما و خوانندگان عزیز. بله این سخن درستی است. میر حسین موسوی قول و قرارهایی بسیاری داده است. مبنی بر جمع کردن گشت های ارشاد و آزادی کانال های تلویزیونی، کاستن فشارها بر مردم و غیره. این قرارها را میر حسین موسوی داده است. اما سوال از دوستانی که بر اساس این وعده و وعید ها می خواهند به موسوی رأی دهند این است که مگر همه این سخنان (و یا بیشتر و رادیکال تر از اینها) را خاتمی بر زبان نیاورده بود؟ مگر در دوره اول و دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی عده ای از همین دوستان تحت همین استدلال ها به خاتمی رأی ندادند؟ بهتر است از این دوستان سوال شود چند در صد از آن وعده ها را خاتمی به مرحله اجرا گذاشت؟ اینکه قرارها را با برنامه اجرا نکرد و یا نگذاشتند که اعمال کند، تفاوتی نمی کند. نتیجه این بود که نشان داده شد که رئیس جمهوری در نظام کنونی از هیچ قدرت اجرایی تعیین کننده برخوردار نیست.

این نظامی است که بر اساس یک دیکتاتوری نظامی متکی بر ساختار مذهبی ولایت فقیه بنا نهاده شده و در صدر تمام تصمیم گیری ها یک فرد به عنوان «رهبر انقلاب» قرار گرفته و کلیه تصمیمات اساسی را اتخاذ می کند. اصولاً هر وعده و وعیدی از طرف هر شخصی (حتی یک فرد منصف، عاقل و صادق) بی معنی و بی محتوا است. هیچ ضمانتی برای اجرای این قول و قرارها وجود نداشته، زیرا اصولاً در جامعه ما رئیس جمهور کاره ای نیست. همانطور که در دو دوره ریاست جمهوری خاتمی نشان داده شد که او کاره ای نبوده است.

پس آیا به نظر شما این رقابت های انتخاباتی همه نمایش است؟

این انتخابات همانند انتخابات پیشین یک انتخابات غیر دموکراتیک و حذف گرایانه ای بیش نیست. نقش مرکزی ولی فقیه و شورای نگهبان در جامعه ما اصولاً اجازه یک انتخابات آزاد مترادف با حتی قوانین بورژوازی در یک جامعه واپس گرا را نیز نمی دهد. از حدود ۵۰۰ کاندیدهای انتخابات ۴ تن انتصاب شدند و از این ۴ تن یک نفر مورد تایید «رهبر انقلاب» قرار گرفته و تمام ابزار دولتی، نیروهای انتظامی و سرکوبگرایانه برای به قدرت رسیدن آن فرد (یعنی احمدی نژاد) به کار برده خواهد شد. همین امروز اعلام شد که صندوق سیار را به چند ده برابر افزایش خواهند داد. این عمل به این مفهوم است که در درون این صندوق ها آرای طرفداران احمدی نژاد را خواهند ریخت، زیرا هیچ کنترل و نظارتی بر این صندوق ها سیار حاکم نیست.

در انتخاباتی که حتی ۴ نفر منتصب توسط شورای نگهبان از حقوق دموکراتیک برخوردار نبوده، چگونه می توان شرکت کرد؟ شرکت در چنین انتخاباتی به مفهوم تایید این روش های غیر دموکراتیک است.

رفیق رازی؛ اما برخی از نامزدهای انتخاباتی، به دولت احمدی نژاد نقد کرده و خواهان اصلاحات در نظام کنونی شده اند، آیا فکر نمی کنید که چنانچه به یکی از آنها رأی داده شود و انتخابی بین بد و بدتر باشد؛ می شود از این وضعیت کنونی گامی به پیش نهاد؟

به نظر من خیر! رأی به هر یک از این ۴ تن و حتی انتخاب یکی از "بهترین" آنها گامی به پیش نیست. اول اینکه تجربه نشان داد که در دوره اصلاح طلبان که اکثریت آرای مجلس نیز متعلق به آنها بود (دو دوره ریاست جمهوری خاتمی) بیشترین سرکوب های جنبش های اجتماعی صورت گرفت. قتل های زنجیره ای در زمان خاتمی رخ داد. کارگران شادانپور و سایر کارگران معترض در جلوی مجلس اصلاح طلبان به قتل رسیدند. چه تضمینی وجود دارد که همین آقای موسوی به این سیاست ها سرکوب گرایانه احمدی نژاد ادامه ندهد؟ بله موسوی و یا کروی سخنانی بسیار در مورد آزادی های اجتماعی به میان آورده اند. پرسیدنی که چرا هیچ یک به دستگیری ۱۵۰ تن از فعالان کارگری در تجمع مسالمت آمیز اول ماه مه اعتراضی نکرده و یا خواهان آزادی فوری آنها نشده اند؟ چرا هیچ یک در برنامه های انتخاباتی خود اصولاً سخنی در مورد حق مسلم کارگران شریف ایران برای احقاق حقوق دموکراتیک شان و در محور آن ایجاد تشکل مستقل کارگری؛ به میان نیاورده اند؟

نباید تردیدی داشت که این ۴ تن تفاوتی در ماهیت در مورد برخورد به جنبش کارگری ندارند؟ ما نیز به عنوان مدافعان عملی و نظری جنبش کارگری باید همراه کارگران باشیم و مطالبات آنان را ارج نهمیم. به نظر من اطلاعیه کارگران شرکت واحد مبنی بر تحریم این انتخابات یک موضع صحیحی است (با وجود اختلافات اساسی که ما با

سیاست های عمومی سندیکالیستی رهبری شرکت واحد داریم). سایر دوستانی که خود را همراه کارگران ایران می دانند باید چنین سیاستی را دنبال کنند.

در مورد نقدهای موسوی به سیاست اقتصادی احمدی نژاد نظرتان چیست؟

نظام کنونی یک نظام سرمایه داری است و حافظ منافع سرمایه داران است. جامعه ایران به سبب دخالت های امپریالیستی یک جامعه از لحاظ اقتصادی واپسگرا نگهداشته شده است. این نظام برای حفظ موقعیت خود به عنوان یک نظام سرمایه داری تنها با توسل به زور و ارباب و کشتار و سرکوب به ویژه کارگران، می تواند در قدرت باقی ماند. در اصل تفاوتی نمی کند که رئیس جمهور احمدی نژاد باشد و یا فرد "خیر خواه" دیگری. هر کس در صدر این دولت علیل سرمایه داری قرار گیرد (حتی اگر کاملاً به قدرت دسترسی داشته باشد) مجبور به برقراری حسنه با امپریالیزم و همراه با آن سرکوب جنبش کارگری است (برای جزئیات نقش امپریالیزم رجوع شود به مقاله: «نگاهی گذرا به ساختار اقتصاد جهانی» در همین شماره، نشریه میلیتانت ۲۳). تنها گسست کامل از نظام سرمایه داری و امپریالیزم است که مسائل پایه ای اقتصادی حل می گردد. تنها یک اقتصاد با برنامه متکی بر دموکراسی کارگری و با مشارکت اکثریت کارگران است که مشکلات اقتصادی را در نهایت حل خواهد کرد. هیچ دولت سرمایه داری و هیچ جناحی در میان آن قادر به پاسخگویی به خواست های زحمتکشان ایران نخواهد بود.

در مورد سیاست خارجی این جناح ها چه؟ آیا اختلافی وجود دارد؟

به نظر من خیر! در این مورد نیز به اعتقاد من سیاست احمدی نژاد با چرخشی جزئی می تواند در حد سیاست های موسوی باشد. این سیاست نیز رأی به موسوی را توجیه نمی کند. (برای جزئیات پیوند دولت ایران با امپریالیزم رجوع شود به مقاله: در باره ی نزدیکی دول ایران و آمریکا در میلیتانت شماره ۲۲)

رفیق رازی، شما می گوئید از آنجایی که تفاوتی بین این دو وجود ندارد باید انتخابات را باید تحریم کرد و فعلاً کاری نکرد؟

پیشنهاد من این است که در وضعیت کنونی تناسب به نفع جنبش کارگری برای مداخله وسیع انتخاباتی، نمی باشد. کارگران ایران مورد تهاجم همه جانبه قرار گرفته اند. با وجود مبارزات پیگیر و بی وقفه شان و مقاومت گسترشان در مقابل اجحافات دولت سرمایه داری، کماکان در مقام سازماندهی انتخاباتی نمی باشند. بنا براین تحریم این انتخابات غیر دموکراتیک و فرمایشی باید همراه با دخالتگری ی که در توان کارگران و قشرهای وسیع تحت ستم (دانشجویان؛ زنان و ملیت ها تحت ستم) باشد.

ما می توانیم مواضع خود را در مورد ماهیت دولت سرمایه داری و جناح های درون هیئت حاکم از طریق تحریم فعال انتخابات به اجرا بگذاریم. برای نمونه اگر توافقی صورت بگیرد که یکی از فعالان کارگری در بند (مثلاً منصور اسالو) را به عنوان کاندید ریاست جمهوری اعلام کرده و از کارگران طلب کنیم برای آزادی او از زندان تبلیغ کرده و در ضمن نقد خود را به سیاست ها دولت سرمایه داری و بیهود بودن رأی به ۴ تن از نامزدهای هیئت حاکم اعلام کنند. بدین ترتیب ضمن تحریم انتخابات فرمایشی ما می توانیم مسائل جنبش کارگری از جمله آزادی تمام زندانیان سیاسی را میان قشرهای زحمتکش تبلیغ کنیم.

این روش از دخالتگری متکی بر تناسب قوای طبقاتی امروز عملی است، گرچه یک امر آسانی نخواهد بود و شاید هزینه هایی نیز در این راه باید پرداخت. اما این عمل، صف مستقلاً کارگری را در مقابل مضحکه انتخابات ریاست جمهوری ایجاد کرده و فرصتی برای دفاع از زندانیان سیاسی در سطح جامعه به ما می دهد.

با تشکر از شما

۹ خرداد ۱۳۸۸